

## جنگ ایران در عمان دقیقاً جنگی است که به صورت نیمه‌دستوری اتفاق افتاده است. ارتش ایران وارد جنگ می‌شود و پس از چند سال، جنگ را به سود عمان و البته امریکا تغییر می‌دهد



معترضان در عمان، نباید عنوان شورشی داد. در جنگ ویتنام هم نیمه شمالی کشور با نیمه جنوبی در نبرد قرار می‌گیرد. علل شروع جنگ هم با آنچه بعداً در عمان صورت گرفته، تقریباً یکی است. دولت امریکا، به عنوان بازیگر جنگ به میدان می‌آید و اعلام می‌کند که قصد نجات مردم از دست شورشیان را دارد. علاوه بر امریکا، انگلیس هم در این جنگ حضور دارد و از ایران هم خلبان و ادوات نظامی به ویتنام اعزام و ارسال می‌شود تا جنگ به سود امریکا رقم بخورد. سود امریکا چیست؟ بازگشت نظام سیاسی قبل جنگ و ویتنام و جلوگیری از پیشروی شوروی در این کشور.

بنابراین می‌توان گفت که این دو جنگ در علت شکل‌گیری و همزمانی تقریبی وقوع آنها و البته حضور ایران در هر دو، برای ما حائز اهمیت است. مسأله مهمی که مطرح می‌شود این است که شوروی هم در عمان و هم در ویتنام حضور دارد و از نظر عده و نغد، طرفداران تغییر نظام سیاسی را یاری می‌کند. چین هم یک بازیگر دیگر این دو جنگ است.

### حمایت شوروی‌ها از مردم ظفار

نمی‌توانیم موضوع را اینطور نگاه کنیم که شوروی در عمان حضور یافته تا راهی برای جلوگیری از گسترش نفوذ امریکا در منطقه ایجاد کند؟

شوروی به گروه‌هایی که علیه حکومت‌های مستبد قیام می‌کنند، کمک می‌کند. این موضوع رانمی‌توان پنهان کرد. در کوبا، یمن شمالی، عمان... کمک کرده است. شوروی از طریق یمن است که کمک‌های نظامی خود را به ظفار ارسال می‌کند. اما مسأله این است که با بررسی فیلم‌ها و اسناد جنگ ظفار، می‌توانیم بگوییم که در این جنگ مترقی‌ترین بحث عدالت خواهی اتفاق می‌افتد. یکی از روزنامه‌نگاران آن زمان که در عمان زندگی می‌کند، مستندی می‌سازد و در آن همه اتفاقاتی را که در عمان رخ داده که به شورش منجر شده، مطرح می‌کند. مسائلی مانند اینکه سطح رفاه شمال و جنوب کشور عمان چقدر تفاوت دارد؛ این رفاه شامل مواردی مانند درمانی، تعلیم و تربیت، نظامی و... می‌شود. بنابراین می‌توانیم بگوییم که شوروی فقط برای به دست آوردن قدرت در عمان فعالیت نمی‌کرد، شوروی علاوه بر کمک‌های نظامی، به سوادآموزی و افزایش رفاه مردم هم کار می‌کرد. البته گرایش‌های سوسیالیستی در ظفار رقم می‌خورد اما این با نفوذ کمونیسم در ایران و حتی در عراق... بسیار متفاوت است. در واقع می‌توان گفت که عمان و ایالت ظفار برای شوروی قدرتی ندارد که باعث نگرانی این کشور نسبت به تنگه هرمز شود.

فضای رسانه‌های ایران در زمان وقوع جنگ ظفار و البته حضور ارتشی‌ها در این کشور چطور بوده است؟

وقتی درباره اثرگذاری ایران در جنگ ظفار سخن می‌گوییم، در ذهن مخاطب، آگاهانه یا ناخودآگاه، شباهت‌هایی بین این جنگ و حضور نظامی ایران در سوریه متبادر می‌شود.

درست است که ایران در سال‌های ابتدایی حضور در سوریه، نیروهای ارتشی را محرمانه به این کشور اعزام می‌کرد. در جنگ ظفار هم چنین فضایی وجود داشت. اما مسأله دیگر این است که پهلوی‌ها به ظفار سرباز و وظیفه اعزام

به تازگی یک مستندساز جوان، با ارائه تحلیلی نو، حرف تازه‌ای درباره حضور ارتش ایران در ظفار مطرح کرده است. احسان مشکور، مستندساز جوان در اولین کار حرفه‌ای خود، سراغ این موضوع رفته است. او نگاه جدیدی را در تحلیل واقعه ظفار و حضور ارتش ایران در عمان بیان می‌کند که می‌تواند باب گفت‌وگو و تحلیل بیشتر درباره این واقعه را باز کند

می‌کنند در حالی که نیروهای رسمی ارتش و سپاه به سوریه می‌رفتند. یا اعزام‌ها داوطلبانه صورت می‌گرفت. بسیاری از خانواده‌های جانبازان یا به تعبیری شهدای جنگ ظفار، هنوز هم نمی‌دانند که فرزندان در کشور دیگری جان خود را از دست داده است. با برخی از خانواده‌های این سربازان که صحبت می‌کردم، می‌گفتند فرزندان به شیراز اعزام شده بود و آنجا کشته شده بود. در جنگ سوریه چنین فضایی را مشاهده نمی‌کنیم. در این جنگ، ایران، پیگیر شهدا را حتی به صورت محرمانه به کشور بازمی‌گرداند.

### گمنامی سربازان جان‌باخته در ظفار

فضای محرمانگی جنگ ظفار در ایران ادامه می‌یابد تا اینکه روزنامه‌نگارانی مانند محمد بلوری و برخی دیگر از روزنامه‌نگاران آن زمان، متوجه اتفاقات عمان می‌شوند. شاه تصمیم می‌گیرد که روی مثبت جنگ ظفار را به مردم نشان دهد. بنابراین آماری از کشته‌شده‌ها و مجروحان واقعی در ظفار ارائه نمی‌شود. رسانه‌های دولتی آن زمان، روی پیروزی‌ها مانور می‌دهند و تعداد جان‌باختگان و... را مطرح نمی‌کنند. هنوز هم اگر کسی بخواهد دنبال آمار واقعی این جنگ باشد، نمی‌تواند به اسناد درستی دست یابد. به نظر می‌رسد آمار جان‌باختگان و مجروحان بسیار زیاد بوده است.

آمار افراد اعزام شده را از طریق اسناد اعزامی تاحدودی می‌توان به دست آورد اما چون همه اجساد برنمی‌گشته، آماری از تعداد کشته‌شده‌ها نمی‌توان به دست آورد. با یکی از سربازان جنگ ظفار که صحبت می‌کردم، می‌گفت دو سال اول حضور ارتش ایران در عمان، تلفات خیلی زیاد بود و اجساد به ایران بازمی‌گشت. گفته می‌شود که تعداد کشته‌شدگان این جنگ حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ نفر بوده‌اند. حدود هفت هزار نفر هم به عمان اعزام شده بودند. احتمالاً بیش از سه هزار نفر مجروح داشته‌ایم.

اثر حضور ایران در ظفار برای سال‌های بعد چه بود؟ بررسی این اثرات را در ۲ بخش می‌گوییم: یکی حین حضور ارتش ایران در ظفار و یکی هم بعد از آن. عمان حین وقوع شورش ظفار و بعد از آن هم قابل بررسی است. حین حضور ارتش ایران در ظفار که همزمان با



حکومت پهلوی هاست، روابط سیاسی ایران و عمان بسیار پررنگ می‌شود تا آنجا که محمدرضا پهلوی به عمان می‌رود و با سلطان قابوس دیدار می‌کند و به طور کلی روابط دیپلماتیک بین این دو کشور شکل می‌گیرد. از طرف دیگر حضور در ظفار برای پهلوی‌ها سودمندتر بود چرا که ادوات نظامی زیادی که از انگلیس و امریکا خریده بودند، در ظفار استفاده می‌کردند.

در میان درجه‌داران ارتشی این موضوع مطرح می‌شود که جنگ ظفار یک میدان تمرین برای آنان بوده و تکنیک‌های جنگی و کار با ادوات را در این جنگ امتحان کرده‌اند. تجربه خوبی برای آنان محسوب می‌شده که از همین تجربه در دوران دفاع مقدس استفاده کردند.

روابط دیپلماتیک ایران و عمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا چند سال قطع شد و ایران از حضور نظامیان ایرانی در ظفار استفاده نکرد. دلیل این قطع روابط هم مشخص نیست و در تحقیقات مان به سند خاصی هم درباره این موضوع نرسیدیم. یک سال بعد از انقلاب هم امام خمینی (ره) دستور می‌دهد ارتشی‌هایی که در پایگاه‌های نظامی ایران در عمان حضور دارند، به کشور برگردند.

### تجهیزاتی که در عمان رها شد

مسأله بزرگی که در تحقیقاتم بدون جواب ماند، این است که تعداد زیادی پادگان نظامی با هزینه‌های زیاد، در دوران پهلوی در عمان ساخته شد که حتی می‌توان با جست‌وجو در اینترنت به اطلاعات این پادگان‌ها دست یافت اما همه این امکانات

در همان دوران پهلوی رها می‌شود و رژیم سابق به ساماندهی داخلی نیروهای نظامی می‌پردازد. روابط دیپلماتیک بین ایران و عمان پس از پایان جنگ و آغاز دهه ۷۰ از سر گرفته می‌شود و سلطان قابوس به یار همیشگی ایرانیان تبدیل می‌شود. او یکی از سیاستمداران باهوش در غرب آسیا است که روابط دیپلماتیک را بین ایران و امریکا حفظ کرده است.

آیا شورش یاب‌ه عبارت دیگر، قیام مردم در ظفار برای عمان نتایج داشت؟ شرایط این کشور پس از فروکش کردن وضعیت جنگی به چه صورت بود؟

قبل و حین شورش، عمان با عقب‌ماندگی زیادی مواجه بود و دلیل شورش علیه مسقط همین عقب‌ماندگی کشور است. یکی از افرادی که از اعضای شورشیان بود، یوسف بن علوی، بعد از شورش به یکی از سیاستمداران بلندپایه عمان تبدیل می‌شود. در واقع پس از پایان یافتن جنگ داخلی در عمان، سلطان قابوس از برخی از شورشیان برای پیشرفت کشور استفاده می‌کند. او از عوامل کودتا می‌خواهد که در حکومت حضور داشته باشند و در رشد و توسعه کشور کمک کنند.

یوسف بن علوی سال‌ها پس از کودتا و در دوره‌ای طولانی وزیر خارجه در عمان باقی می‌ماند. در واقع سلطان قابوس با نگاه اصلاح کشور، از مخالفانش برای اهداف حکومت خود استفاده می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که عمان بعد از کودتا مسیر توسعه را آغاز کرد و حتی پس از سلطان قابوس، هیثم بن طارق نیز همین مسیر را ادامه می‌دهد.



مسأله این است که با بررسی فیلم‌ها و اسناد جنگ ظفار، می‌توانیم بگوییم که در این جنگ مترقی‌ترین بحث عدالت خواهی اتفاق می‌افتد

